

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۱ فبروری ۲۰۲۲

دادگاه‌های امپریالیستی برای تحقق عدالت نیستند، ابزاری در جهت توسعه نیات شوم آنها هستند (۶)

این از بدیهیات است که سیاست بر قضاوت فرمان می‌راند. پس هر امر قضائی به این دامن‌داری، سیاسی است و نه اختیاری و «بشردوستانه». فقط ساده‌لوحان و مغرضان می‌توانند خود را به «کوچه علی‌چپ» بزنند. هر روز که بیشتر می‌گذرد نمایان‌تر است که دادگاه نمایشی سویدن و همدستانش به ضد فرد جنایتکاری به نام حمید نوری برای حمایت از حقوق بشر، انسان دوستی و مخالفت با نسل‌کشی و مبارزه با جنایت جنگی نیست. بلکه دقیقاً بخشی از یک برنامه جنگ تبلیغاتی و روانی امپریالیسم و صهیونیسم علیه حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورها و از جمله ایران است که در واقع تأیید تحریم‌های ضدبشری آنها نسبت به مردم ایران با تأیید اپوزیسیون خودفروخته می‌باشد. امپریالیسم و صهیونیسم می‌خواهند محاصره و گرسنگی دادن به مردم ایران را تا به آن روز ادامه دهند که ملت ایران از انقلاب خویش توبه کرده، مجدداً یوغ اسارت امریکا را به گردنش ببیزد و در برجام به عقب‌نشینی‌های بیشتر و دشمن‌شادکنی در جهت منافع صهیونیسم و اپوزیسیون امریکائی اصلاح‌طلب در درون ایران و «برانداز» در خارج از ایران بپردازد. در این جنگ روانی تبلیغاتی نخست دادگاه سویدن را علم کردند و سپس عامل خودشان معصومه علینژاد قمی‌کلا را برای برگزاری یک سیرک سیاسی و تبلیغاتی برای هماهنگی با دادگاه سویدن به لندن اعزام کردند که باید دادگاه سویدن را پوشش می‌داد و حالا همین کار را در المان به ضد اتباع سوری که مدتی از حکومت قانونی بشار اسد حمایت کرده‌اند برپا ساخته‌اند و مطبوعات المانی با گزارش از این دادگاه نمایشی و فرمایشی گذری هم به دادگاه سویدن کرده و این دو دادگاه را مکمل هم دانسته که البته دقیقاً همین‌طور هم است. جاروجنجال در مورد دادگاه رسیدگی به جنایات ضد بشری دولت سوریه در المان، مبارزه با سیاست ستراتیژیک ایران در جهت حفظ منافع ملی کشور ما در یاری به خلق‌های فلسطین، لبنان، یمن، و سوریه است. مبارزه با این سیاست ایران در منطقه، همان خواست اوپاما، ترمپ، بایدن، اتحادیه اروپا، عربستان سعودی و صهیونیسم می‌باشد که جنگ با آن را به پرونده «برجام» گره زده‌اند. حال این جنگ به ضد ایران با کارزار دادگاه‌های تبلیغاتی امپریالیستی آغاز شده و این سیاست عمیقاً ضدایرانی، ضد منافع ملی ایران، ضد تمامیت ارضی آن است و نه آن‌گونه که به دروغ تبلیغ می‌شود، ضد ابراهیم رئیسی قاتل و یا جمهوری اسلامی مرتجع. آنها با قاتل‌تر از رئیسی و مرتجع‌تر از جمهوری اسلامی هم هم‌آغوش می‌شوند. به اسرائیل و

عربستان سعودی برای آموزش خود نگاه کنید و شرم نمائید. بیچاره حقوق بشر که چه توهین‌هایی را بر خود روا می‌دارد و ابزاری برای اقدام به جنایات جنگی در عرصه کره خاکی شده است.

حزب ما بارها بیان کرده است که دادگاه کیفری جهانی در لاهه یک ابزار استعماری و حربه‌ای برای دخالت در امور داخلی کشورها بوده و هست. این دادگاه «مجرمان» خود را به صورت گزینشی و مصلحت سیاسی روز برمی‌گزیند و به همین جهت مورد نقد همه نیروهای دموکرات در سراسر جهان است. پاره‌ای از ممالک افریقائی از این دادگاه خارج شده و بیان کردند که این دادگاه را فقط برای سرکوب رهبران افریقائی که به ساز اروپا نمی‌رقصند برپا کرده‌اند. دولت امریکا نیز این دادگاه را به رسمیت نمی‌شناسد و بارها آن را اعلام کرده است. این تناقضات به آن انجامید که دول امپریالیستی اروپا تلاش کردند هر کدام برای خویش دادگاهی برای دخالت در امور داخلی سایر کشورها برپا کرده و حق حاکمیت این ممالک را به زیر پا بگذارند. اگر امریکا مصوبات کنگره خود را برای همه کشورهای جهان لازم الاجراء می‌داند و استقلال حقوقی آنها را به رسمیت نمی‌شناسد، این دادگاه‌های امپریالیستی‌های کوچک‌تر نیز حیطة اقتدار قضائی ممالک جهان را فاقد استقلال دانسته و خود را جایگزین قوه قضائیه همه ممالک نموده‌اند. توگویی این کسانی که دستشان تا آرنج به خون مردم جهان از جمله، ایران، عراق، لیبیا، لبنان، سوریه، افغانستان فلسطین و یمن آلوده است، مشروعیت دارند در مورد نقض حقوق بشر در این کشورها اظهار نظر کنند. ریاکاری این «مدافعان حقوق بشر» انسان را بی‌اختیار به یاد ضرب‌المثل معروف «رطب خورده منع رطب چون کند» می‌اندازد. امروز روشن است که عده‌ای خوش‌خیال و بعضاً فریب‌خورده و حتی خودفریب، در شبکه کارزار تبلیغاتی امپریالیستی صهیونیستی گیر افتاده و راه فرار ندارند. حال به داستان پیگرد یک مأمور امنیتی سوریه در المان برگردیم تا بتوانیم ماهیت رابطه سیاست خارجی ستراتیژیک ایران در منطقه، پرونده براجام، رابطه سوریه با ایران و... را بهتر برملا کنیم.

خبرگزاری المانی «دویچه وله» (DW) در آغاز سال گذشته مؤرخ ۲۴/۰۲/۲۰۲۱ اعلام کرد یک دادگاه المان در شهر «کوبلنس» (Koblenz) یک مأمور اطلاعاتی سوریه (انور راسلان) را که در سرکوب مردم سوریه شرکت داشته است به جرم مشارکت در جنایات علیه بشریت به چهار سال و نیم حبس محکوم کرد. گویا این سرهنگ امنیتی سوریه در سرکوب اعتراضات اسلامیت‌ها در سال ۲۰۱۱ که برای نابودی استقلال سوریه به خیابان‌ها ریخته بودند، مسلح شده بودند، تک تیرانداز داشتند و مردم سوریه آنها را خفه کردند، شرکت داشته است. جالب این است که این سرهنگ امنیتی سوریه در جریان تجاوزات داعش به تمامیت ارضی سوریه در سال ۲۰۱۲ از سوریه گریخته به اردن می‌رود و خود را کاملاً در اختیار سازمان امنیت اردن می‌گذارد.

وی دو سال نقش برجسته‌ای در همکاری با اپوزیسیون سوریه ایفاء می‌کند و به همین دلیل هم به استانبول سفر کرد و در سال ۲۰۱۴ به عنوان عضوی از هیأتی از اپوزیسیون سوریه در مذاکرات ملل متحد برای سوریه در ژنیو شرکت کرده است. حال تاریخ مصرفش به پایان رسیده است و با یک صحنه‌سازی، چند تن از اتباع سوری «انقلابی» که از اپوزیسیون هستند این شکنجه‌گر را در خیابانی در برلین در هنگام خرید مواد غذایی شناسائی می‌کنند و سابقه جنایتش را در اختیار مقامات «بی‌خبر» قضائی المان قرار داده و رسانه‌های گروهی سانسور شده المان این افسانه را به خورد مردم می‌دهند.

وی در تابستان ۲۰۱۴ با درخواست پناهندگی خود را تسلیم مقامات المانی می‌کند. مخالفان بشار اسد در میان داعش و غرب با استفاده از اطلاعات وی در امور داخلی سوریه دخالت خرابکارانه می‌کنند و برای سرنگونی حکومت بشار اسد فعالیت می‌نمایند. وی تمام اطلاعات امنیتی سوریه را در اختیار غربی‌ها قرار داده و به نقش خود در این مورد و شکنجه زندانیان و اعمال فشار به آنها در زندان‌ها اشاره کرده است. دولت المان کوچک‌ترین ناراحتی نسبت به انجام

این جنایات نداشته، وی را تحت تعقیب قضائی قرار نداده و بر جنایات وی سرپوش گذارده است به این امید که اوضاع برمی‌گردد و آنها می‌توانند این سرهنگ امنیتی را به عنوان عامل خودشان در سوریه برسرکار آورند. ولی گردش حوادث طور دیگری رقم خورد. سیاست پیروزی داعش با یاری غربی‌ها و ناتو به همت ایران، لبنان و روسیه با شکست مفتضحانه روبه‌رو شد و در زمانی که گویا «عده‌ای سوری» این سرهنگ را در خیابان‌ها شناخته و از وی شکایت کرده‌اند، وی در سال ۲۰۱۹ یعنی چند سال بعد از شکست داعش و غرب در سوریه، در کشور پناهنده پذیر المان دستگیر می‌شود و به جرم جنایاتی که مرتکب شده است در سال ۲۰۲۰ در مقابل دادگاه قرار می‌گیرد.

حکم دادگاه بر اساس گفتار شهودی بوده است که مدعی شده‌اند شکنجه دیده‌اند و تصاویری از درون زندان که گواه شکنجه زندانیان سیاسی هستند به دادگاه ارائه شده است. گویا مأموران امنیتی سوریه از این شکنجه‌ها تصاویر رنگی می‌گرفتند و آنها را برای شرکت در دادگاه جهانی و برای این که سند جنایاتشان به دست مخالفان بیفتد، بایگانی می‌کرده‌اند و حال همه این تصاویر در دست دادگاه المان قرار گرفته است. جل الخالق!

در سال ۲۰۱۴ انور راسلان با دریافت ویزا از سفارت المان در اردن به همراه خانواده خود به المان مهاجرت می‌کند. در المان، همانطور که هفته نامه «اشپیگل» (Spiegel) در اپریل ۲۰۲۰ گزارش داد، او تمام اطلاعات خود را به تفصیل در مورد سرویس‌های مخفی سوریه در اختیار سازمان اطلاعات و امنیت المان قرار می‌دهد و (به واسطه این خدمات) از وزارت خارجه المان تأییدیه‌ای مبنی بر «نقش فعال و قابل مشاهده در ایوژیسیون سوریه» دریافت می‌کند. نشریه چپ‌گرای «یونگه ولت» (Junge Welt) به قلم «نیک براونز» (Nick Brauns) مقاله‌ای به مضمون زیر منتشر کرده که ما مستخرجی از آن را با ترجمه سیمایا برای آگاهی خوانندگان بازگو می‌کنیم:

«راسلان در سال ۲۰۱۵ ظاهراً به دلیل «تهدیداتی» که توسط حامیان دولت سوریه علیه وی صورت گرفته به پولیس برلین شکایت می‌برد. اما از آنجا که وی آشکارا به فعالیت‌های امنیتی مخفی خود در سوریه اعتراف کرده بود، این اطلاعات از طریق، به دفتر دادستانی فدرال در شهر کارلسروهه می‌رسد و سپس دادرسی علیه او به دلیل اظهاراتی که خودش داوطلبانه کرده بود آغاز می‌شود. گزارشگران هفته نامه اشپیگل در سال ۲۰۱۳ با «ایاد الف»، مأمور اطلاعاتی سابق که در فبروری سال گذشته به چهار سال و نیم زندان محکوم شد در اردن ملاقات کرده بودند، وی ... توضیح داد: «انور راسلان هرگز ردیابی نشد، هیچ کس او را متهم نکرده بود، اما او دچار یک اشتباه محاسباتی شد و پنداشت که تغییر جایگاهش از مأمور امنیتی و پیوستن به صف مخالفان می‌تواند جنایات قبلی‌اش را خنثی کند». ... انجمن قضات المان و نمایندگان سازمان‌های حقوق بشر عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر، حکم هنوز نهائی نشده علیه راسلان را به عنوان یک «سیگنال مهم» و «تاریخی» ستایش کردند. «مارکو بوشمان» (Marco Buschmann) وزیر دادگستری فدرال (حزب لیبرال المان) توضیح داد که این حکم روشن می‌کند که جنایات علیه بشریت نباید بدون مجازات بمانند: «مهم نیست کجا این جنایات را مرتکب شوند، مهم نیست که چه کسی آنها را مرتکب شده است - این یک اعتقاد بزرگ و قدرتمندی است که حقوق بین‌المللی بر آن بنیان نهاده شده است.» (تکیه از توفان)

بر اساس اصل صلاحیت جهانی که در سال ۲۰۰۲ در المان با قانون کیفری بین‌المللی لازم الاجراء شد، هر کشوری می‌تواند جرایمی مانند نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت را بدون توجه به این که چه کسی، در چه زمانی و در چه مکانی مرتکب شده، تحت پیگرد قانونی قرار دهد. (یک نگاه ساده به این ادعاها، توخالی بودن این شعارهای دولت المان را نشان می‌دهد. در حالی که همکاران دولت‌های مخالف غرب از سوریه، روسیه، صربستان در المان دستگیر و محاکمه می‌شوند یا سر از دادگاه لاهه در می‌آورند، جنایتکارانی مانند جورج بوش پدر و پسر، رامسفلد، دیک چینی، زندانبانان گوانتانامو و ابوغریب، فرماندهان ارتش تروریست اوچکا در کوزوو، بوسنی، تروریست‌های

کرواتی، فاشیست‌های اوکراینی، تروریست‌های حاکم بر ترکیه در حال رفت و آمدند، جوایز حقوق بشری دریافت می‌کنند و یا در حال شرکت در مراسم و مجالس در المان‌اند و ...

برای مثال دادرسی علیه مقامات سابق دولت سوریه و محکومیت یک عضو شبه نظامی دولت اسلامی «داعش» به جرم نسل‌کشی در ماه نومبر با سیاست خارجی المان مطابقت دارد. (از دید سیاست خارجی المان تحریر الشام، کلاه سفید ها و یا دیگر شعبه‌های آدمخوار و تروریست القاعده در زمره مبارزان آزادی‌اند و نه تنها در این کشور پرسه می‌زنند، بلکه از حمایت ملی و سیاسی نیز برخوردارند.) اما در مقابل شکایتی که در سال ۲۰۱۶ توسط اعضای گروه پارلمانی حزب چپ المان، وکلاء و فعالان حقوق بشر علیه رجب طیب اردوخان، رئیس دولت ترکیه، چندین وزیر و افسر نظامی ترکیه به دلیل جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت در جریان محاصره شهر کردنشین «سیزره» در جنوب شرقی ترکیه ثبت شد با مخالفت قوه قضائیه المان پیگیری نشد.

و ما اضافه می‌کنیم دولت المان فدرال که خود پس از جنگ جهانی دوم متشکل از همان نازی‌های سابقه‌دار با یاری امریکائی‌ها برای مبارزه با کمونیسم بر سر کار آمد، هرگز حاضر نشد نازی‌های درشت که جنایت جنگی مرتکب شده و در دولت المان شرکت داشتند، نظیر آقایان هاینریش لوبکه رئیس جمهور المان، کورت گئورگ کیزینگر صدراعظم المان، هانس فیلیپینگر قاضی دادگستری در نظام نازی‌ها که با دستان خونین نخست وزیر ایالت بادن ورتمبرگ در المان شد و صدها نمونه دیگر را به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه کند. زیرا قانون ۲۰۰۲ را در المان زمانی تصویب کردند که همه این نازی‌ها مرده بودند و تا لحظه مرگشان حقوق بازنشستگی خود را از خزانه مردم دریافت کرده و از تمام حقوق شهروندی در المان بهره‌مند گردیدند. باید با حنجره پاره یک صدا فریاد زد: زنده باد حقوق بشر!!؟؟

برگردیم به دادگاه «عادلانه» در المان. البته محاکمه این افراد سرکوبگر سوری در المان نمایشی است، پرونده‌سازی برای زمانی است که بخواهند از آقای بشار اسد که از استقلال سوریه دفاع کرده و پوزة داعش و غرب را به خاک مالیده است، با برپا کردن دادگاه‌های نمایشی و تبلیغاتی انتقام بگیرند. این دادگاه‌ها باید پرده استتاری بر همکاری اروپا و ترکیه با دستگاه جنایتکار داعش بکشد و این جنایات هولناک را تیرئه کند.

داستانی المان برای طرح این پرونده در المان به اصل «صلاحیت جهانی» محاکم برای رسیدگی به جرایم جدی استناد می‌کند. حکم صادره ظاهراً منطبق بر اساسنامه دادگاه خودساخته جزائی بین‌المللی است. بر اساس اصل «صلاحیت قضائی جهانی»، اتهام نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت، در شمار جرایمی قرار دارند که پیگیری حقوقی آن‌ها را صرف‌نظر از محل ارتکاب و ملیت فرد متهم در سطح بین‌المللی ممکن می‌سازد. ما نشان خواهیم داد که این ادعا حرف مفت است.

محاکمه حمید نوری در سویدن نیز از جمله مواردی است که بر اساس چنین صلاحیتی در گستره حقوقی بین‌المللی انجام می‌گیرد.

صدور احکام زندان برای "ایاد ا." و یا «انور راسلان» راه را برای محاکمه ناقضان حقوق بشر کشورهای همچون عراق، سوریه، لبنان، یمن، لیبیا و ایران در خاک المان هموار می‌کند.

تاریخ را فراموش نکنیم، همین اتحادیه اروپای مدافع «حقوق بشر»، دادگاه جزائی را برای دولت ساختگی «کوزوو» تشکیل داد که چندی قبل نیز فهرست اتهامات دادگاه علیه آقای هاشم تحاچی، رئیس جمهور و چند نفر دیگر از یاران وی را به علت ارتکاب جنایت علیه بشریت در زمان رهبری وی در «ارتش آزادی‌بخش کوزوو» به خاطر قتل عام صرب‌ها، منتشر کرد. این دادگاه با پا در میانی خانم «مادلین آلبرایت» (Madeleine Albright) وزیر امور خارجه

وقت امریکا و اعمال فشار به دادستان دادگاه لاهه خانم «کارلا دل پونته» هرگز به نتیجه نرسید. معلوم شد برخی جنایات ضدبشری اگر تأمین کننده منافع امپریالیسم باشند مجازند.

دادگاه خاصی هم در لاهه برای تحقیق و تفحص و صدور حکم درباره ترور رفیق حریری، نخست وزیر لبنان، و ۲۱ نفر دیگر بر اثر بمبگذاری در سال ۲۰۰۵، آنهم با مأمور تحقیق المانی، تشکیل شد که حکمش علیه دولت سوریه و حزب الله لبنان صادر شد.

در دوران پایانی سلطنت دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا در سال ۲۰۲۱، وی حمله شدیدی به دیوان کیفری بین‌المللی لاهه انجام داد و موضع مخالفت امریکا را اعلام نمود زیرا امریکا تنها دادگاه‌های خود را برای تعیین تکلیف برای قوه قضائیه سایر ممالک معتبر می‌داند و نه دادگاه ساختگی اروپائیان را که در فکر سلطه استعماری خویش هستند. این موضع‌گیری طبیعتاً با واکنش منفی هواداران این دادگاه که استعمارگران اروپائی هستند، روبه رو شد. این دادگاه سرگرم انتخاب یک دادستان جدید شده بود و قرار آن بود تا پایان سال ۲۰۲۱ به منظور افزایش کارایی خود عملکردش را بررسی کند.

در همین حال، در غیاب دادگاه خاصی درباره سوریه، دادگاه‌هایی در المان، هالند و کشورهای اسکاندیناوی با استناد به اصل «حوزه قضائی جهانی» به تحقیق و تفحص درباره جنایات جنگی در کشورهای مورد نظرشان در جریان است.

«مایکل راتنر» (Michael David Ratner) یکی از مسؤولان عالی‌رتبه سازمان مرکز حقوق اساسی Center for Constitutional Rights- CCR (for) در امریکا، فعال مدنی، حقوق‌دان، استاد دانشگاه، بعد از تجاوز به عراق با صحنه‌سازی و دروغ‌گویی تلاش کرد جرج واکر بوش، دیک چینی و دونالد رامسفلد را به جرم جنایت علیه بشریت به دادگاه جهانی بکشاند، ولی موفق نشد. وی اظهار داشت: «من تقریباً مطمئن هستم که بوش، چینی و رامسفلد از خود دفاعی نمی‌توانند داشته باشند. پرونده‌ای که برای این افراد در امریکا باز شده است صراحتاً می‌گوید که در آنجا به جایی نخواهد رسید. چرا که دموکراسی همراه با فساد دولت امریکا را بارها تجربه کرده‌ایم. به همین دلیل بود که ما در اروپا - المان - پرونده‌ای را علیه این مجرمین باز کردیم و مطمئناً پیگیر نیز خواهیم بود». وی افزود: «چینی» خود به ما ثابت کرد که بایستی مجازات شود. اگر دنیا این افراد را به پای میز محاکمه نکشاند نفر بعدی نیز در ماه‌ها و سال‌های آینده ظهور پیدا می‌کند. آقای «چینی» آنقدر وقاحت به خرج داده است که در اظهاراتش گفته است: «اگر پیش آید باز هم شکنجه خواهیم کرد». امروز روشن است که جرج بوش پسر شخصاً دستور استفاده از فشار در بازجویی از متهمان را داده بود. سازمان «دیدهبان حقوق بشر» از بارک اوباما، رئیس جمهور ایالات متحده، درخواست کرد که دستور تحقیق جنائی درباره جورج بوش و همکاران بلندپایه او را صادر کند. «کننت راث» (Kenneth Roth)، مدیر اجرایی این سازمان مدافع حقوق بشر در نامه خود به رئیس جمهور نوشته است: «برای بازپرسی از دیک چینی، معاون پیشین رئیس جمهور، دونالد رامسفلد، وزیر دفاع پیشین و جورج تنت، رئیس پیشین سازمان سیا، دلایل کافی وجود دارد.»

سازمان «دیدهبان حقوق بشر» در گزارشی ۱۰۷ صفحه‌ای، افراد یادشده را به خاطر بدرفتاری با زندانیان و شکنجه آنها در ابو غریب، بگرام، گوانتانامو مجرم شناخته که متهم به ارتکاب جنایات جنگی شده‌اند. آنها از دولت المان خواستند به محض ورود آقای رامسفلد به فردگاه مونیخ برای شرکت در کنفرانس امنیتی مونیخ وی را توقیف کنند. این مرکز در توضیح این که چرا شکایت خود را در دفتر دادستانی المان مطرح کرده است، اعلام کرد دولت امریکا هیچ تمایلی به تحقیقات مستقل در زمینه اتهامات مطرح‌شده نشان نمی‌دهد و تاکنون نیز از پیوستن به دادگاه رسیدگی به

جنایات بین‌المللی خودداری کرده است و هیچ یک از دادگاه‌های رسیدگی به جنایات ضدبشری در اروپا حاضر نیز نیستند این جنایتکاران را تحت تعقیب قرار دهند.

البته پس از آن که جامعه دادستانی المان در سال ۲۰۰۷ اعلام کردند دونالد رامسفلد را به دلیل شکایت‌های فعالان حقوق بشر تحت تعقیب قرار نمی‌دهند، ایشان تصمیم گرفت در کنفرانس مونیخ شرکت کند.

نشریه زوددویچه سایتونگ که هم از دادگاه سویدن به دفاع برخاسته و هم از دادگاه کولننس، در مورد رسیدگی به پرونده جنایات یک مأمور امنیتی سوریه، در مورد ماهیت این دادگاه‌ها و شیوه جانبدارانه و گزینشی آنها و از جمله چشم‌پوشی بر جنایات علیه بشریت توسط امریکا و اسرائیل به حرف آمده و این اقدام مشمزمز کننده را که دیگر قابل انکار نیست مورد تأیید قرار داده و اعتراف کرده است:

«ورود دولت المان به این امر به هیچ وجه اساساً خالی از منافع سیاسی نیست این را از آنجا می‌شود فهمید که ببینیم چه کشورهایی در این ماجرا پای کاوشگران را به میان نمی‌کشند. به عنوان نمونه زیرزمین‌های شکنجه دیکتاتور مصر ال سیسی که در مورد آن سازمان‌های حقوق بشر داستان‌های فراوانی برای تعریف دارند، موضوع بحث نیستند. همچنین شکنجه کردن در بازداشتگاه‌های اسراء امریکا در خاور میانه و یا در گوانتانامو پای کاوشگران را به آنجا از نزدیک باز نکرده است. مدت کوتاهی قبل از آن که وزیر دفاع امریکا دونالد رامسفلد در سال ۲۰۰۷ به المان سفر کند جامعه دادستانی المان به وی اطلاع داد که نگران نباشد آنها اقدامی نخواهند کرد!!؟؟» (زوددویچه سایتونگ مؤرخ ۲۰۲۲/۰۱/۱۴).

به این ترتیب جنایت علیه بشریت برای مدتی به مرخصی رفت. روزنامه المانی زوددویچه که مدافع سرمایه امپریالیستی المان است، این اقدام را درست دانسته و «محاکمات گزینشی و سیاسی را صحیح ارزیابی می‌کند. با این استدلال جانبدارانه اگرچه این دادگاه به صورت گزینشی به انتخاب جنایتکاران ضدبشری به صورت تکی علاقه نشان می‌دهد ولی به همان اندازه برای استادان شکنجه خطرناکتر می‌شود که آزادانه هر جا می‌خواهند سفر کنند».

پس دادگاه‌های المان و به طریق اولی سویدن فقط نوع ویژه‌ای از جنایات ضد بشری را پوشش می‌دهند و این امر خود یک جنایت ضد بشری و حمایت از بخشی از جنایتکاران ضد بشری بوده که می‌توانند روی حمایت اتحادیه اروپا از اعمالشان بدون دغدغه خاطر حساب کنند. دولت المان وعده می‌دهد رامسفلد را تحت پیگرد قرار ندهد ولی تبعه سوریه را فرا می‌خواند که برای تکمیل نمایشنامه‌اش به المان بیاید. بیچاره کسانی که فریب این ماشین ریاکاری را خورده و تبدیل به پیچ و مهره این فریبکاری می‌گردند.